

بسم الله الرحمن الرحيم

٩٤/١١/٠٩

موضوع: علل تأكيد حضرت زهرا بر استدلال به حديث غدير بر ولايت اميرالمؤمنين

تقديم به پيشگاه مقدس و باعظمت حضرت بقيه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) صلواتي

عنايت فرماييد.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة

على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم

لقاء الله افوض أمرى إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلني

مدخل صدق و أخرجني مخرج صدق و أجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا

قال النبي (صلى الله عليه و آله):

«إنما فاطمة بضعة مني فمن أغضبها أغضبني»

المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفى، دار النشر:

مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٣٨٨، ح ٣٢٢٦٩

:و

«يا فاطمه إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

١٦٧، ح ٤٧٣٠

فرارسیدن ایام فاطمیه و شهادت جانسوز و مظلومانه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) أم ابیها را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) و عمه جان گرامیش حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و همه دلباختگان و شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به مقام و جایگاه حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصیبت بزرگ و جانکاه، فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم قرار بدهد به برکت صلوات غراء بر محمد و آل محمد.

در رابطه با حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) سخن گفتن به حق سخت و دشوار است. در رابطه با حضرت صدیقه طاهره باید کسی سخن بگوید که خود از سرچشمه وحی شیر علم نوشیده باشد.

زیبنده است فرزند بزرگوارش حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) بیاید و در فضائل بی‌نظیر مادر گرامیش (سلام الله علیها) سخن بگوید. ما هم زبانمان را به ذکر فضائل و سخنان و جایگاه حضرت صدیقه طاهره متبرک می‌کنیم و از باب: «مَا لَا يَذْرُكُ كُلُّهُ لَا يَثْرُكُ كُلُّهُ»

و یا

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

فرازهایی از فضائل آن بزرگوار و جایگاه آن حضرت را برای شما گرامیان، بزرگواران، فضلا و اساتید تقدیم می‌کنم. البته در رابطه با فضائل حضرت فاطمه زهرا قطعاً سخن زیاد شنیده‌اید و در شب‌های آینده هم که چند شب مراسم ادامه دارد بازهم سخنانی در فضائل حضرت صدیقه طاهره خواهید شنید.

من می‌خواهم در رابطه با یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقاط زندگی باشرافت حضرت صدیقه طاهره سخن بگویم تا الگویی باشد برای ما در این دنیای پر شور و شرر که شبهات علیه مذهب، علیه تشیع، علیه اهل‌بیت، علیه امیرالمؤمنین از در و دیوار می‌بارد.

این نقطه اساسی در زندگی حضرت فاطمه زهرا، دفاع آن بزرگوار از جایگاه امامت و ولایت و دفاع جانانه آن بزرگوار از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است به طوری که خود، شهیده این راه و شهیده دفاع حریم ولایت لقب گرفت.

در رابطه با موضوع دفاع حضرت صدیقه طاهره از امیرالمؤمنین اگر فرصت کنم می‌خواهم سه نکته و سه فراز از خطبه آتشین این بانوی دوسرا عرض کنم و پیرامون این سه فراز مقداری سخن بگویم.

امید است این مطالب همانند ران ملخی به پیشگاه سلیمان عالم هستی حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) هدیه‌ای ناقابل باشد.

حضرت صدیقه طاهره در خطبه آتشینش در دفاع از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نکات زیادی دارد. من سه محور را انتخاب کردم که در این محفل نورانی تقدیم کنم.

محور اول این است که حضرت صدیقه طاهره در دفاع از امیرالمؤمنین موضوع خطبه غدیر و حدیث غدیر را برای مهاجرین و انصار مطرح می‌کند و فریادی برمی‌آورد بر سر صحابه‌ای که در منطقه غدیر و جحفه بودند و شاهد نصب امیرالمؤمنین برای ولایت و امامت بودند.

این سخن هم در منابع و کتب شیعه آمده و هم در کتب اهل سنت وارد شده است. «مرحوم طبرسی» (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «الإحتجاج» جلد اول صفحه ۸۰ چنین تعبیری دارد که حضرت صدیقه طاهره فرمود:

«كَأَنَّكُمْ لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ»

گویا از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر فرمود، آگاهی ندارید.

حضرت فاطمه زهرا به صراحت فرمودند: شما که علی بن ابی طالب را خانه گذاشتید و در سقیفه بنی ساعده برای خود خلیفه انتخاب کردید، گویا سخن رسول اکرم در غدیر خم را نشنیدید یا پیام پیامبر را در رابطه با علی در غدیر خم نفهمیدید و ندانستید.

«وَ اللَّهُ لَقَدْ عَقَدَ لَهُ يَوْمَئِذٍ الْوَلَاءَ»

سوگند به خدا که رسول گرامی اسلام در آن روز ولایت و رهبری را به او (علی علیه السلام) پیوند زد [و از مردم بیعت گرفت].

«لِيَقْطَعَ مِنْكُمْ بِذَلِكَ مِنْهَا الرَّجَاءَ»

تا امید شما [فرصت طلبان تشنه قدرت] را از امامت قطع نماید.

حضرت فاطمه زهرا فرمودند: رسول گرامی اسلام امیرالمؤمنین را به ولایت پیوند زد تا امید کسانی که انتظار می کشیدند بعد از رحلت نبی گرامی خلافت را به دست بگیرند تمام راههای عذر و بهانه را برای همگان بست.

«وَ لَكُمْ قَطْعُ الْأَسْبَابِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ نَبِيِّكُمْ»

ولی شما رشته‌های پیوند [معنوی] میان پیامبر و خودتان را پاره کردید.

ولی با کمال تأسف شما مهاجرین و انصار و حاضرین در مجمع بزرگ غدیر، سخنان پیغمبر اکرم را نادیده گرفتید و از میان خود، از پیش خود و برخلاف سخن رسول اکرم که خداوند متعال درباره او فرمود:

(وَ مَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.

سوره نجم (۵۳): آیات ۳ و ۴

خلیفه تراشیدید و انتخاب کردید.

«وَاللَّهُ حَسِيبٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

این را بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داور خواهد کرد.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۸۰، باب ذکر طرف مما جرى بعد وفاة رسول الله ص من اللجاج و الحجاج

حضرت فاطمه زهرا در نهایت فرمودند: من شکایت شما را به خداوند عالم می‌کنم. خداوند بهترین گواه و بهترین داور میان من و شماست.

عبارت دیگری در کتاب «خصال» جلد اول صفحه ۱۷۳ از حضرت صدیقه طاهره نقل شده است که حضرت در خطبه آتشینش فرمود:

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَخِي عَدْرًا»

آیا پدرم در روز غدیر خم جایی برای عذرتراشی برای احدی باقی گذاشته است؟

الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۲۲۸

حضرت فاطمه زهرا از مردم می‌پرسند: "آیا پدرم حجت را بر همه شما تمام نکرد و حق مطلب را برای همه ادا نکرد؟! " در فراز دیگری که آقای «شمس الدین ابن جزری» یکی از علمای اهل سنت در کتاب «مناقب الأسد» جلد اول صفحه ۵ نقل می‌کند حضرت فرمود:

«أنسیتم قول رسول الله يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه»

آیا قول رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدیر خم را فراموش کردید که فرمود: هرکسی من بر او ولایت دارم، علی هم بر او ولایت دارد.

مناقب الأسد الغالب مُمزق الکتائب، ومُظهر العجائب لیث بن غالب، أمير المؤمنین أبی الحسن علی بن أبی طالب رضی الله عنه، المؤلف: ابن الجزری شمس الدین محمد (المتوفی: ۸۳۳ هـ)، تحقیق: طارق الطنطاوی، الناشر: مكتبة القرآن، مصر – القاهرة، ج ۱، ص ۵

فرازهای دیگری در رابطه با احتجاج حضرت صدیقه طاهره به غدیر خم هست که من به این دو سه مورد اکتفا می‌کنم.

حال سؤال اینجاست که عزیزان، گرامیان، فضلا و بزرگواران چطور شد حضرت صدیقه طاهره از میان آن همه روایاتی که نبی گرامی اسلام در طول ۲۳ سال در رابطه به خلافت، امامت و وصایت امیرالمؤمنین بیان کرده بود حدیث و خطبه غدیر را انتخاب کردند؟!

چرا آن بزرگوار از حدیث ولایت که می‌فرماید:

«إن علیا منی وأنا منه وهو ولی کل مؤمن من بعدی»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی،

ج ۸، ص ۱۹۹، باب جعفر بن سلیمان

و منابع اهل سنت مثل آقای «حاکم نیشابوری» در مستدرک خود، ج ۳، ص ۱۱۰، و یا «البانی» در کتاب «سلسله الاحادیث الصحیحه» ج ۵، ص ۲۲۲ هم آن را نقل می کنند، سخن نمی گویند؟! همچنین رسول گرامی اسلام در روایت دیگری فرمودند:

«أنت خلیفتی فی کل مؤمن من بعدی»

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبی عاصم الضحاک الشیبانی، دار النشر: المكتب الإسلامی - بیروت -

۱۴۰۰، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد ناصر الدین الألبانی، ج ۲، ص ۵۶۵، ح ۱۱۸۸

این روایت در کتاب «المستدرک الصحیحین» جلد ۳ صفحه ۱۳۳ با سند صحیح نقل شده است. چرا حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به حدیث خلافت استناد نمی کند؟! حدیث امامت از رسول گرامی اسلام نقل شده است که حضرت فرمودند:

«أنت امام کل مؤمن ومؤمنة، وولی کل مؤمن ومؤمنة بعدی»

مناقب، تألیف الموفق بن احمد بن محمد المکی الخوارزمی: المتوفی سنة ۵۶۸، ج ۱، ص ۴۹

چرا حضرت صدیقه طاهره به حدیث خلافت و ولایت و امامت و وصایت اشاره نمی کند و تنها حدیث غدیر را به رخ صحابه می کشد و به حدیث غدیر استناد می کند؟!

بنده با توجه به آنچه خود رسیده ام می گویم که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به پنج دلیل قضیه حدیث غدیر را مطرح می کنند. بنده در این زمینه مقداری توضیح می دهم.

شب عید غدیر قرار بود ما در همین جا در محضر حضرت فاطمه معصومه در خدمت شما گرامیان باشیم، اما از نجف اشرف از ما دعوت کردند که شب عید غدیر نایب الزیارة شما در کنار حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برنامه داشته باشیم. من تلفن کردم و از تولیت محترم اجازه خواستم که ما را عفو بفرمایند و ما در کنار بارگاه ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین انجام وظیفه کنیم.

بنده می‌خواهم این چند نکته را عرض کنم تا هم دین خود را نسبت به واقعه غدیر خم ادا کرده باشم و هم روشن شود که چرا حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا از میان این همه احادیث در رابطه با خلافت و امامت امیرالمؤمنین فقط به حدیث غدیر استناد فرمودند.

دلیل اول نزدیک بودن حادثه غدیر با وفات رسول گرامی اسلام بود. پیغمبر اکرم حدیث وصایت را بیست سال قبل در سال سوم بعثت در جمع محدودی از سران قریش مطرح فرمودند. آن بزرگوار حدیث رایت را در جنگی مطرح فرمودند که عده مخصوصی شنیده‌اند.

پیغمبر اکرم حدیث خلافت را موقع رفتن به جنگ تبوک مطرح فرمودند و عده خاصی آن را شنیده‌اند. در حالی که فاصله حدیث غدیر تا رحلت نبی گرامی هفتاد و دو روز بیشتر نیست.

دلیل دوم این است که جمعیت انبوهی در محفل بزرگ غدیر خم حضور داشتند. بنا به نقل آقای «سبط ابن جوزی» در کتاب «تذکره الخواص» صفحه ۵۷ آمار کسانی که در غدیر حضور داشتند و سخن نبی گرامی را شنیدند به مرز صد و بیست هزار نفر رسید. یعنی صد و بیست هزار نفر قضیه غدیر را از نبی گرامی اسلام شنیدند.

همچنین آقای «حلبی» که از مورخین قدر و نامی اهل سنت است در کتاب «سیره الحلبیة» جلد سوم صفحه ۳۰۸ می‌گوید: "آمار کسانی که در غدیر خم بودند از نود هزار تا صد و بیست و چهار هزار نفر تخمین زده شده است."

بنابراین دلیل اول این است که واقعه غدیر خم قضیه‌ای نزدیک به رحلت نبی گرامی است. دلیل دوم این است که تعداد انبوهی از جمعیت سخن پیغمبر اکرم را شنیده‌اند و عذری برای کسی باقی نمانده است.

دلیل سوم این است که در قضیه حدیث غدیر، نبی گرامی اسلام، ولایتی را که خداوند عالم در قرآن کریم سوره احزاب آیه ۶ برای او تثبیت کرده و فرموده است:

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنها اولی است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۶

که «زمخشری» در کتاب «تفسیر الکشاف» دارد که:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ (فِي كُلِّ شَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدِّينِ وَالْدُنْيَا) مِنْ أَنفُسِهِمْ»

ولایت نبی اکرم در امور دینی و دنیایی از مؤمنین بر خودشان بالاتر و نافذتر است.

الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمر

الزمخشری الخوارزمی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، تحقیق: عبد الرزاق المهدي؛ ج ۳، ص ۵۳۱

نبی گرامی قبل از آنکه بحث ولایت امیرالمؤمنین را مطرح کند از همه اعتراف گرفت:

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -

الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقیق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ۵، ص ۱۹۵، ح

و:

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»

آيا ولايت من بر شما از ولايت خودتان بالاتر نيست؟!

«فَقُلْنَا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ»

همه مردم گفتند: بله يا رسول الله.

«فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهُ»

حضرت فرمود: هر كسى من مولاى اويم، از اين پس على مولاى اوست.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ١، ص ١١٩، ح ٩٤١

و:

«مَنْ كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلَىٰ وِلْيَتِهِ»

جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدين عبد الرحمن

السيوطي، ج ٣، ص ٢٤٢، ح ٨٣٩٤

و:

«من كنت وليه فعلى وليه»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی،
دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد
السلام تدمری، ج ۳، ص ۶۲۹، باب من توفی فیها

حضرت با عبارتهای مختلفی که با سندهای صحیح در کتب اهل سنت نقل شده است، این مسئله را بیان
فرمودند. آقای «هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» جلد ۹ صفحه ۱۰۷ این تعبیر را دارد:

«من كنت ولیه فعلى ولیه»

هرکسی من ولی امر او هستم، علی ولی امر اوست.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار
الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۰۷، باب قوله e من كنت مولاہ فعلى مولاہ

بحث مولی نیست که شیاطین و خناثها بگویند: "مولی هفتاد معنا دارد هرچایی که رسول اکرم امامت و ولایت
و خلافت را اراده کرده باشد." همچنین در کتاب «السنة» اثر «ابن ابی عاصم» صفحه ۶۰۶ با تصحیح «ألبانی»
وارد شده است:

«ألسنت أولى بکم من أنفسکم»

آیا ولایت من بر شما از ولایت خودتان بر خودتان اولی تر نیست؟!!

«قالوا بلی»

گفتند: بلی.

«فقال من كنت مولاہ فعلى مولاہ»

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

١٤٠٠، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، ج ٢، ص ٦٠٦، ح ١٣٦٩

حضرت محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) بعد از اعتراف مردم، ولایت علی بن ابی طالب را که در ردیف ولایت نبی گرامی اسلام است را برای آن‌ها مطرح کرده است.

بنابراین می‌بینیم رسول گرامی اسلام در غدیر خم عین ولایتی که خداوند متعال پیغمبر اکرم را به آن تثبیت کرده برای امیرالمؤمنین تثبیت می‌فرماید. به همین خاطر است که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از میان انبوه روایات، حدیث غدیر خم را انتخاب می‌فرماید.

دلیل چهارم این است که بعد از قضیه نصب علی بن ابی طالب برای خلافت، صحابه به امیرالمؤمنین تبریک گفتند که در رأس آن‌ها خلیفه اول و خلیفه دوم بود که گفتند:

«هنیئاً لك يا ابن ابی طالب أصبحت اليوم ولی كل مؤمن»

گوارا باد یابن ابی طالب که امروز تو سرپرست تمام مؤمنین شدی.

تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥، تحقيق: محب الدين

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ٤٢، ص ٢٢٠، باب آخر الجزء الحادی والخمسين بعد الثلاثمائة

اگر قرار بود علی بن ابی طالب برای محبت یا نصرت باشد که اصلاً با معنا و الفاظ غدیر تناسبی ندارد.

«من كنت ولیه فعلى ولیه»

یا:

«فقال من كنت مولاة فعلى مولاة»

اصلاً از نظر شاکله جمله بندی هم نصرت و ولایت را نمی‌رساند. اگر بنا بود پیغمبر اکرم بگوید: هرکسی من را دوست دارد علی را دوست داشته باشد، باید می‌فرمودند: «من کان یحبنی فالیحب علیاً!!»، «من کان یودنی فالیود علیاً!!» همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ)

اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد.

سوره آل عمران (۳): آیه ۳۱

برای محبت از واژه «حب» و «ود» استفاده می‌شود. اگر بحث نصرت بود از کلمه «نصر» استفاده می‌شد و می‌فرمودند: «ان تنصر الله ينصرکم و یثبت اقدامکم!!»

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از کلمه «ولی» استفاده می‌کنند و صحابه هم فهمیدند بحث ولایت یعنی ولایت مطلق بر عموم مسلمانان و مؤمنین به همین خاطر تبریک گفتند.

«هنیئاً لک یا ابن ابی طالب أصبحت الیوم ولی کل مؤمن»

یا:

«بخ یخ لک یا ابن ابی طالب أصبحت مولای ومولی کل مسلم»

تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۲۳۳، باب آخر الجزء الحادی والخمسين بعد الثلاثمائة

همانطوری که «خطیب بغدادی» هم در کتاب «تاریخ بغداد» جلد هشتم صفحه ۲۸۹ می‌نویسد که خلیفه دوم گفت:

«بخ یخ لک یا بن ابی طالب أصبحت مولای ومولی کل مسلم»

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت -، ج ۸، ص ۲۸۹، ح ۴۳۹۲

همچنین آقای «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد هفتم صفحه ۳۵۰ کلام خلیفه دوم را نقل می‌کند:

«بخ یخ لک یا ابن ابی طالب اصبحت مولای ومولی کل مسلم»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مکتبة المعارف - بیروت، ج ۷، ص ۳۵۰، باب حدیث غدیر خم

این روایات شاهد بر این است که صحابه وصایت امیرالمؤمنین را قبول کردند. جالب اینجاست که آقای «ابو حامد غزالی» که یکی از شخصیت‌ها و چهره‌های شاخص اهل سنت است در کتاب «سر العالمین» صفحه ۱۸ تعبیر بسیار زیبایی دارد.

او می‌گوید: بعد از حدیث غدیر خم و سخن نبی گرامی، «من کنت مولاه فعلى مولاه» خلیفه دوم ولایت را بر امیرالمؤمنین تبریک گفت؛

«فهذا تسلیم ورضی وتحکیم»

این نشان می‌دهد صحابه ولایت علی بن ابی طالب را پذیرفتند، قبول کردند و بر ولایت او حکم دادند.

«ابو حامد غزالی» در ادامه جمله زیبایی می‌گوید که «ذهبی» و دیگران از این جمله «غزالی» به شدت عصبانی شده‌اند. «غزالی» می‌نویسد: تبریک گفتن صحابه به امیرالمؤمنین قطعی است و اینکه تبریک گفتن دلالت بر ولایت، امامت و خلافت می‌کند هم قطعی است؛

«ثم بعد هذا غلب الهوى»

هوای نفس آن‌ها را اسیر خود کرده است.

سر العالمین وکشف ما فی الدارین، المؤلف: حجة الإسلام الإمام / أبو حامد محمد بن محمد الغزالی، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد حسن محمد حسن إسماعیل وأحمد فريد المزیدي، ج ۱، ص ۱۸، باب المقالة الرابعة ترتيب الخلافة والمملكة

به عقیده «غزالی» صحابه برای رسیدن به ریاست و حکومت و مناصب سخنان رسول گرامی اسلام را پشت سر گذاشتند. «ذهبی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است این روایت را از «غزالی» نقل می‌کند، سپس به او حمله می‌کند و می‌نویسد:

«وما أدري ما عذره في هذا والظاهر أنه رجع عنه وتبع الحق فإن الرجل من بحور العلم والله أعلم»

نمی‌دانم عذر او از به کار بردن این عبارت چه بوده است، زیرا این مرد دریایی از علم است. و خدا عالم است.

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، محمد نعيم العرقسوسی، ج ۱۹، ص ۳۲۸، باب ۴ الغزالی الشيخ الإمام البحر حجة الإسلام أعجوبة الزمان زين الدين أبو حامد

دلیل پنجم که سبب شد حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) حدیث غدیر را برای استدلال بر خلافت امیرالمؤمنین انتخاب کرد به خاطر این بود که حدیث غدیر پشتیبان قرآنی دارد. بنابر نقل شیعه و سنی سه آیه مستقل در رابطه با غدیر خم نازل شده است. آیه اول، آیه ۶۷ از سوره مبارکه مائده است. خداوند متعال می‌فرماید:

(یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

آقای «آلوسی» که سلفی العقیده است، در کتاب «تفسیر روح المعانی» جلد ششم صفحه ۱۹۳ از قول «عبدالله بن مسعود» صحابی و مفسر عصر صحابه می‌نویسد:

«کنا نقراً علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و سلم) یا أيها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک إن علیا ولی المؤمنین وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»

ما صحابه همیشه در زمان رسول الله این آیه را این چنین می‌خواندیم: پیغمبر به مردم بگو که علی ولی امر مؤمنین است. اگر این حرف را به مردم نرسانی و نگویی رسالت ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۶، ص ۱۹۳، باب المائدة: (۶۷) یا أيها الرسول... ..

عزیزان حتما می‌دانند کلمه «کان» دلیل بر استمرار است و کلمه «کنا» به معنای ما صحابه است.

همچنین آقای «سیوطی» متوفای ۹۱۱ هجری در کتاب «الدر المنثور» جلد دو صفحه ۲۹۸ نقل می‌کند، آقای «شوکانی» در کتاب «فتح القدير» جلد ۲ صفحه ۶۱ نقل می‌کند. دیگران هم این روایت را نقل می‌کنند. حدیث غدیر پشتوانه قرآنی دارد. شاید دیگر روایات در ولایت امیرالمؤمنین این اهمیت و جایگاه را ندارد. دومین آیه، آیه سوم از سوره مبارکه مائده است که می‌فرماید:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

سوره مائده (۵): آیه ۳

من نمی‌خواهم در رابطه با مضمون آیه صحبت کنم، اما تنها به یک روایت اشاره می‌کنم. آقای «خطیب بغدادی» در کتاب «تاریخ بغداد» جلد هشتم صفحه ۲۸۴ از «ابوهریره» نقل می‌کند که رسول اکرم در روز هجدهم ذی الحجه در منطقه جحفه علی را برای خلافت نصب کرد. در این حال خلیفه دوم تبریک گفت سپس جبرئیل نازل شد و آیه **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)** را آورد. آیه سوم، آیه:

(سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ)

تقاضا کننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد!

سوره معارج (۷۰): آیه ۱

است. «امام قرطبی» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت و شخصیت‌های برجسته اهل سنت است و «تفسیر» او عصاره تفسیر شش قرن اول اسلام است در کتاب «تفسیر قرطبی» جلد ۱۸ صفحه ۲۷۸ شأن نزول این آیه را این چنین می‌نویسد:

بعد از آنکه رسول اکرم علی بن ابی طالب را برای خلافت نصب کرد به مدینه آمد. یکی از اصحاب پیغمبر اکرم به نام «حارث بن نعمان» خدمت نبی گرامی اسلام آمد.

این روایت در کتاب «تفسیر قرطبی» نقل شده است و تفاسیر دیگری هم این روایت را نقل کرده‌اند. «حارث بن نعمان» خدمت پیغمبر اکرم آمد و عرضه داشت:

«یا محمد أمرتنا عن الله أن نشهد أن لا إله إلا الله وأنك رسول الله فقبلناه منك»

یا محمد! ما را امر کردی از جانب خدا که گواهی دهیم بر اینکه معبود بر حقی جز خدا نیست و تو پیامبر خدا هستی و ما قبول کردیم.

«وأن نصلی خمسا فقبلناه منك ونزکی أموالنا فقبلناه منك وأن نصوم شهر رمضان فی كل عام فقبلناه منك وأن نحج فقبلناه منك»

ما را به پرداخت خمس فرمان دادی و ما قبول کردیم، ما را به پرداخت زکات فرمان دادی و ما قبول کردیم، ما را به روزه گرفتن در ماه رمضان فرمان دادی و ما قبول کردیم، ما را به حج رفتن فرمان دادی و ما قبول کردیم.

«ثم لم ترض بهذا حتی فضلت بن عمک علینا»

سپس تو به این همه خرسند نشدی و حال پسرعموی خود را بر ما فضیلت دادی.

«أفهذا شیء منك أم من الله»

این نصب چیزی از جانب توست یا فرمانی از نزد خداست؟

دقت داشته باشید امروز بازار این روایت داغ است. بعضی از بزرگواران می‌گویند: "این روایت دلیل بر این است که پیغمبر اکرم هم انتقاد پذیر است!!" ما که نفهمیدیم!!

آقای «سبط ابن جوزی» در کتاب «تذكرة الخواص» جلد اول صفحه ۳۷ می‌نویسد: پیغمبر اکرم از جمله «حارث بن نعمان» به قدری غضبناک شد که چشمان حضرت قرمز شد. و سه مرتبه فرمود:

«والله الذى لا إله إلا هو ما هو إلا من الله»

سوگند به خدایی که جز او معبود بر حقی نیست این امر از جانب خدا است.

سپس «نعمان بن حارث» گفت:

«فولى الحارث وهو يقول: اللهم إن كان ما يقول محمد حقا فامطر علينا حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب

أليم»

نعمان با شنیدن این سخن پشت کرد و به راه افتاد در حالی که می‌گفت: خدایا اگر مساله خلافت علی حق است و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما بیاران.

بعد راوی می‌گوید:

«فوالله ما وصل إلى ناقته حتى رماه الله بحجر فوق علي دماغه فخرج من دبره فقتله»

به خدا سوگند هنوز نزد شترش نرفته بود که سنگی از بالا آمد به طوری که از سرش خورد و از ماتحتش درآمد و کشته شد.

«فنزلت: (سأل سائل بعذاب واقع) الآية»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب

– القاهرة، ج ١٨، ص ٢٧٨، باب المعارج: (١) سأل سائل بعذاب... ..

شما را به خدا سوگند آیا ما می‌توانیم این روایت را دلیل بر انتقادپذیری پیغمبر اکرم بگیریم؟! من که نمی‌فهمم!!

دوستان تقاضا می‌کنم امشب به منزل بروید و خطبه ١٩ «نهج البلاغه» را ملاحظه کنید. امیرالمؤمنین در حال خطبه خواندن بودند که یکی از اصحاب به نام «اشعث بن قیس» بلند می‌شود و به آن بزرگوار انتقاد می‌کند و می‌گوید:

«يا أمير المؤمنين، هذه عليك لا لك»

یا امیرالمؤمنین! سخنی که می‌گویی به ضرر توست و به نفع تو نیست.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عصبانی و غضبناک می‌شوند و می‌فرمایند:

«مَا يَذْرِيكَ مَا عَلَيَّ مِمَّا لِي»

تو چه می‌فهمی که چه به ضرر من هست و چه به نفع من است.

«مَا يَذْرِيكَ مَا عَلَيَّ مِمَّا لِي»

تو چه می‌فهمی که چه به ضرر من هست و چه به نفع من است.

«عَلَيْكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ اللَّاعِنِينَ»

لعنت لعنت‌گران و لعنت خدا بر تو باد.

«حَائِكُ ابْنِ حَائِكٍ مُتَأَفِّقُ ابْنِ كَافِرٍ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَسْرَكَ الْكُفْرَ مَرَّةً وَ الْإِسْلَامَ أُخْرَى»

نهج البلاغة، نویسندہ: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۶۱، خ ۱۹

مگر معصوم قابل انتقاد است؟! معصومی که متصل به وحی است، معصومی که آیه شریفه:

(وَ مَا یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُّوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.

سوره نجم (۵۳): آیات ۳ و ۴

در حق او نازل شده است. مگر می‌شود به امام معصوم انتقاد کرد؟! زمانی که من می‌خواهم به کسی انتقاد کنم باید میزان، معیار و ملاکی داشته باشم. ائمه اطهار (علیهم السلام) خودشان ملاک حق هستند.

اگر بخواهیم بگوییم فلان چیز حق است یا حق نیست باید به سراغ امام معصوم برویم، زیرا ملاک حق، آن‌ها هستند. پیغمبر اکرم فرمودند:

«علی مع الحق أو الحق مع علی حیث کان»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۳۵، باب فیما کان فی الجمل

و:

«علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض هذا حدیث صحیح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۳۴، ح ۴۶۲۸

اگر به کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» مراجعه کنید این روایت را با سند صحیح خواهید دید. بنابر این روایت، علی با قرآن و قرآن با علی است. مگر می‌شود به قرآن انتقاد کرد؟!

گرچه برخی از افراد بی‌حیا ادعا می‌کنند که به خداوند متعال هم می‌شود انتقاد کرد. اگر بحث این است ما حرفی نداریم، اما اگر بحث تاریخ اسلام، روایات نبی گرامی اسلام، سیره رسول اکرم و سیره صحابه است دیگر جای انتقاد ندارد و نمی‌شود به معصوم انتقاد کرد!!

معصوم ملاک است که ما بخواهیم حق را از ناحق و باطل را از حق تشخیص بدهیم. بنابراین دلیل اینکه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) حدیث غدیر را انتخاب فرمودند این پنج دلیل بود که از میان آن همه روایات قضیه غدیر را بیان کردند.

البته نکات دیگری هم بود همانند فرمایش آن بزرگواران که می‌فرمایند: خداوند عالم امامت ما را برای امنیت جامعه از تفرقه و مایه وحدت قرار داده است. همچنین دلیل اینکه امیرالمؤمنین را کنار گذاشتند به چه جهت بوده است. در حقیقت کینه‌های بدر، احد و حنین بود که امیرالمؤمنین را کنار گذاشتند. رسول گرامی اسلام در جمله معروفی به امیرالمؤمنین فرمودند:

«ضَعَائِنُ فِي صُدُورِ أَقْوَامٍ لَا يَبْدُونَهَا لَكَ إِلَّا مِنْ بَعْدِي»

کینه‌هایی از تو در دل این قوم است که آن‌ها را آشکار نمی‌کنند مگر بعد از من.

جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائد والجامع الکبیر)، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدین عبد الرحمن

السیوطی، ج ۱۲، ص ۹۱، ح ۳۰

اجازه بدهید اظهار ارادتی هم به پیشگاه مقدس حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داشته باشیم.

این روزها دیگر روزهای آخر زندگی حضرت صدیقه طاهره است. فاطمه زهرا به بستر افتاده است و در طول این ۷۵ یا ۹۵ روز از فراق پدر و ظلم‌هایی که نسبت به آن بزرگوار و همسر و فرزندانش کرده‌اند زجر کشیده و گریه‌های بسیار کرده است.

«ابن اثیر» در کتاب «أسد الغابه» می‌نویسد: فاطمه زهرا پوست و استخوان شده بود و همانند نی از شدت غصه و مصائب لاغر و نحیف شده بود و گوشتی در بدن حضرت دیده نمی‌شد. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌فرماید:

«صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لِيَالِيَا»

مصیبت‌هایی بر من وارد شد که اگر بر روز روشن وارد می‌شد به شب تاریک مبدل می‌شد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۹،

ص ۱۰۶، ح ۵۳

الحق این مصائب برای حضرت صدیقه طاهره و حضرت امیرالمؤمنین سخت بود. بنا بر نقل بعضی از ارباب مقاتل زمانی که امیرالمؤمنین از اتاق بیرون آمد و حضرت فاطمه زهرا را میان در و دیوار دید که افتاده و فرزند عزیزشان حضرت محسن شهید شده دو جمله فرمودند. حضرت فاطمه معصومه از شما معذرت می‌خواهم. حضرت فرمودند:

یا لیتنی ضربت مکانک و یا لیتنی مٹ قبل هذا

زهراجان! ای کاش به جای تو من را کتک زده بودند. ای کاش علی مرده بود و این ذلت را ندیده بود.

علی لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أی منقلب ينقلبون

اجازه بدهید با این سینه‌های خسته و چشمان گریان شما چند دعا کنم و ان شاءالله عزیزان ما هم دعا خواهند کرد.

خدایا تو را به آبرو و عصمت حضرت فاطمه زهرا قسم می‌دهیم هرچه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان حضرت ولی عصر بیوشان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اهل بیت عصمت و طهارت در هر لباس و منصبی هستند بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا دعاها را ما را به اجابت برسان. خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا حوائج ما برآورده نما.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلوات ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته